فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و ششم. پاییز ۱۳۹۷، صص۱٤٤-۱۳۷ Vol 2. No 26. 2018, p 137-144
شماره شاپا (۲۵۳۸-٦۳۹٥) ISSN: (2538-6395)

جستاری فلسفی در امکان جرم‌انگاری توهین به عقاید و مقدسات

محمد فواد حیدری
مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان
muhammadfoadheidari@gmail.com

چکیده
هدف از نگارش این مقاله، آنچنان که از عنوان آن نیز برمی‌آید، ارائه‌ی فحص و بحثی با رویکرد انتقادی در امکان تبدیل شدن گزاره‌ی «توهین به عقاید و مقدسات ممنوع است» به یک اصل قانونی است. به عبارت دیگر، در این مقاله با استفاده از مباحث حقوقی و فلسفه‌ورزی با رویکردی انتقادی، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا امکانات فلسفی و حقوقی کافی وجود دارد تا قانونی با مضمون جرم‌انگاشتن توهین به عقاید و مقدسات دیگران، وجود خارجی پیدا کند؟

واژه‌های کلیدی: حقوق، فلسفه، توهین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

۱- مقدمه

واضح است که مبحث «توهین به عقاید و مقدسات دیگران» در دو بعد اخلاقی[1] و حقوقی[2] قابل بررسی است. بعد اول این مبحث، در حیطه‌ی علم اخلاق[3] محسوب می‌شود که پسند و ناپسند بودن آن را بررسی می‌کند. اما این بعد از موضوع، مورد بحث این پژوهش نیست. در نتیجه در این مقاله، به دور از قضاوت در مورد حسن و قبح اخلاقی توهین به عقاید و مقدسات دیگران و نیز با چشم‌پوشی از آرمان‌های آزادی‌بیان، صرفا به بررسی این موضوع در حیطه‌ی علم حقوق[4] که دومین بعد مبحث است، پرداخته خواهدشد.

هدف از نگارش این مقاله، آنچنان که از عنوان آن نیز برمی‌آید، ارائه‌ی فحص و بحثی با رویکرد انتقادی در امکان تبدیل شدن گزاره‌ی «توهین به عقاید و مقدسات ممنوع است. » به یک اصل قانونی است. به عبارت دیگر، در این مقاله با استفاده از مباحث حقوقی و فلسفه‌ورزی با رویکردی انتقادی[5] به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا امکانات فلسفی و حقوقی[6] کافی وجود دارد تا قانونی با مضمون جرم‌انگاشتن توهین به عقاید و مقدسات دیگران، وجود خارجی پیدا کند؟

در راستای پاسخ به پرسش اساسی این مقاله، که در مورد امکان تبدیل گزاره‌ی «توهین به عقاید و مقدسات ممنوع است» می‌باشد، استدلالی فراهم آمده‌است که مواد آن به شرح ذیل است؛

الف. اگر مصادیق «توهین» به صورت متقن قابل طرح نباشند آنگاه جرم‌انگاری توهین به عقاید و مقدسات امکان‌پذیرنیست.

ب. مصادیق «توهین» به صورت متقن قابل طرح نیستند.

در ادامه‌ی این مقاله، به اثبات هر کدام از دو گزاره‌ی فوق‌الذکر، پرداخته می‌شود و پس از آن در قسمت نتیجه گیری، گزاره‌ی منتج از آن دو، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیش از ورود به بحث، لازم به ذکر است، زنجیره‌ی تولید علم، با حذف حلقه‌ی «نقد» ابتر خواهد ماند، لذا امید است صاحبنظران و متفکران این عرصه، از ارائه‌ی انتقادات و نقطه‌نظرات ارزشمند خویش دریغ نورزند.

---

1. Morality
2. Rights
3. Ethics
4. Law
5. Critical thinking

۶. مباحث این مقاله، هم فلسفی است و هم حقوقی، اما حیطه‌ی آن نباید با فلسفه‌ی حقوق اشتباه شود. فلسفه‌ی حقوق، فلسفه‌ای مضاف است که با دیدگاهی کل‌نگر، به فلسفه‌ورزی در مورد ماهیت، الزام و چگونگی حقوق، قانون و نظام های حقوقی می‌پردازد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

۲- یافته‌ها

۱-۲- گزاره الف

نظر نگارنده، بر آن است که «اگر مصادیق «توهین» به صورت متقن قابل طرح نباشند آنگاه جرم‌انگاری توهین به عقاید و مقدسات امکان‌پذیرنیست». در این مقاله، گزاره‌ی مذکور، به صورت قراردادی، گزاره‌ی «الف» نامیده‌شده‌است و در ادامه به اثبات آن پرداخته خواهدشد.

بر اندیشمندان پوشیده نیست که «قانون یک مفهوم و پدیده هدفدار است. لذا این قانون باید آنقدر روشن و واضح باشد که تابعان و مجریان منظور از آن را به خوبی دریابند و در جهت هدف موردنظر به کار گیرند. بدین طریق کارهای جامعه سیاسی مطابق نظام و قاعده معین اداره‌شدنی می‌گردد» (راسخ، ۱۳۸۵، صفحه ۲۲) در نتیجه، بی‌شک، قانون باید واضح باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، صفحه ۱۵۷) و همچنین باید به دور از ایهام بوده و از سطحی از رسایی و وضوح برخوردار باشد که موجب سردرگمی یا گمراهی شخصی که باید از آن پیروی کند و نیز دستگاه، شخص یا قوه‌ی قضائی که قرار است در مورد آن حکم صادر کند، نشود تا بدین صورت نیرو و منابع عمومی هدر نرود. (عنایت، ۱۳۹۰، صفحه ۶۱۷) در یک کلام، باید گفت قانون باید مفید قطعیت[۷] باشد.

با توجه به آنچه گفته‌شد، وقتی در قانون، شهروندان از چیزی منع می‌شوند، باید مورد منع، آنقدر واضح و قطعی بیان شده‌باشد که شهروندان دقیقا بدانند از چه چیزی منع شده‌اند و قوه‌ی قضا نیز به وضوح بداند افراد بابت چه‌چیزی باید مورد کیفر قرار گیرند.

اگر گزاره‌ی «توهین به عقاید و مقدسات ممنوع است. » بخواهد به یک قانون تبدیل شود، باید بتواند آنچه را که شهروندان را از آن منع می‌کند را به درستی منتقل کند. وقتی شهروندان از توهین به چیزی منع می‌شوند، باید دقیقا بدانند «توهین» چیست و مصادیق آن کدام‌اند.

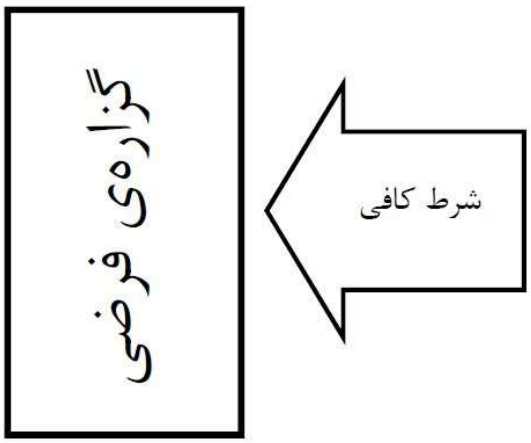
نمی‌توان پیش از این که مصادیق توهین به طور متقن مشخص نشده‌باشند، قانونی با مضمون منع توهین، وضع کرد؛ چراکه «نمی‌توان به گونه‌ای قانون نوشت که دست مقامات اجرایی و قضایی را در تصمیم‌گیری درباره افعال شهروندان باز گذارد. در این صورت تابعان قانون در تصمیم‌گیری‌های خود با عدم قطعیت روبه‌رو می‌شوند و نمی‌دانند دایره شمول قانون تا کجاست، کدام عمل آنها از نظر قانون درست و کدام غلط خواهد بود؛ کدام عمل مباح، کدام قابل مجازات و کدام مستوجب پاداش خواهد بود. » (راسخ، ۱۳۸۵، صفحه ۲۴-۲۳) پس باید پیش از تصویب قانونی با مضمون منع توهین به عقاید دیگران، مفهوم توهین و مصادیق آن مشخص شوند تا کیفر و عقاب شخص خاطی، به هیجانات گروه‌ها و نظرات شخصی مراجع تصمیم‌گیرنده واگذار نشود و نیز زمینه‌های سوءاستفاده از آن مهیا نگردد.

---

7. Definiteness

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

پس با توجه به آنچه گفته شد، شرط لازم تبدیل گزاره‌ی «توهین به عقاید و مقدسات ممنوع است. » به یک اصل قانونی، طرح مصادیق «توهین» به صورت قطعی و متقن است. در آنچه ذکر شد، «شرط لازم»[8]در مقابل «شرط کافی»[9](شکل ۱) به کار برده شده‌است.



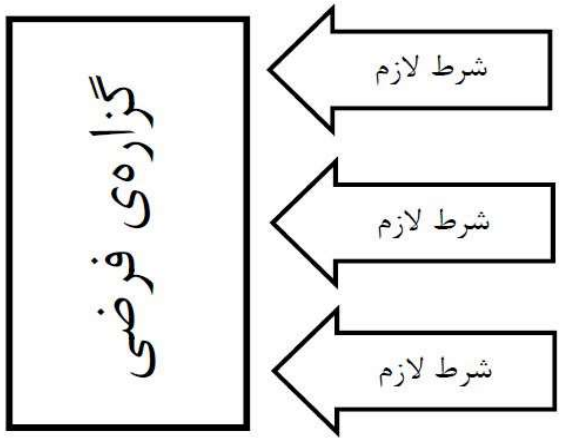
گزاره‌ی فرض تحقق می‌یابد اگر و تنها اگر شرط کافی فراهم باشد.

شکل ۱- شرط کافی

این بدان معناست که علاوه بر لزوم طرح مصادیق «توهین» به صورت قطعی و متقن، شروط دیگری نیز برای تبدیل گزاره‌ی «توهین به عقاید و مقدسات ممنوع است. » به یک اصل قانونی، وجود دارد اما طرح مصادیق «توهین» به صورت قطعی و متقن هم شرط لازم (شکل ۲) برای آن است؛ یعنی بدون تحقق آن، امکان تبدیل گزاره‌ی «توهین به عقاید و مقدسات ممنوع است. » به یک اصل قانونی، وجود ندارد.

8. Necessary condition
9. Sufficient condition

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]



فراهم شدن تمام شروط لازم برای تحقق گزاره‌ی فرض لازم است
یعنی نبود یکی از شروط لازم هم ناقض گزاره‌ی فرض است.

شکل ۲- شرط لازم

در نتیجه‌ی مباحث مطرح شده در اثبات گزاره‌ی «الف»، این نتیجه حاصل شد که؛

الف. اگر مصادیق«توهین» به صورت متقن قابل طرح نباشند آنگاه جرم‌انگاری توهین به عقاید و مقدسات امکان‌پذیرنیست.

حال، در بخش بعدی به این پرسش پرداخته خواهد شد که آیا مصادیق«توهین» به صورت متقن قابل طرح هستند یا نه؟

۲-۲- گزاره ب

نظر نگارنده، بر آن است که «مصادیق «توهین» به صورت متقن قابل طرح نیستند». در این مقاله، گزاره‌ی مذکور، به صورت قراردادی، گزاره‌ی «ب» نامیده‌شده‌است و در ادامه به اثبات آن پرداخته خواهدشد.

در ابتدا باید دانست آیا می‌توان ادعا کرد توهین مفهومی مطلق است و هرکس می‌تواند با تفکر و تعقل به مصادیق آن پی ببرد؟ و یا به عبارت دیگر آیا نیرویی فطری و ذاتی در درون انسان‌ها، مفهومی ثابت از توهین و مصادیقِ آن را بر همگان آشکار می‌کند؟

نگارنده‌ی این سطور بر آن است که توهین مفهومی نسبی است و اینگونه نیست که مصادیق آن به صورت مطلق وجود داشته باشند و هرکس با تعقل در آن، به مصادیق واحدی از توهین دست‌یابد. و این یک نیروی ذاتی و درونی نیست که مصادیق واحد و تغییرناپذیری از توهین را به مردم می‌رساند، بلکه خانواده، جامعه و در یک کلام عرف است که این وظیفه را بر عهده دارد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

در اثبات این مدعا به مثالی فرضی در این مورد پرداخته‌خواهد شد. که به روشنی، مشخص خواهد کرد که درک ما از مصادیق توهین، متاثر از ویژگی‌های عرفی محل رشد ما است.

شرایطی فرضی متصور است که در آن، کودکی نوزاد، در فضایی به دور از اجتماع و سایر افراد و تنها با حضور یک مرد و زن بازیگر که نقش پدر و مادر کودک را بازی می‌کنند نگه‌داری می‌شود.

از دو بازیگر که نقش پدر و مادر را دارند خواسته‌شده‌است تا هر از چندگاهی یکی از آن‌ها، دیگری را با کلمه‌ی توهین‌آمیز **A**[10] خطاب کند. اما کسی که مورد توهین قرار گرفته است با عکس‌العملی محبت‌آمیز، از شنیدن کلمه‌ی توهین‌آمیز **A** ابراز رضایت کند.

پس از چند مدت که کودک حرف زدن یاد بگیرد، همانطور که پدر و مادرش در موقعیت‌هایی محبت آمیز از کلمه‌ی توهین‌آمیز **A** استفاده کرده بودند، از این کلمه در موقعیت‌هایی مشابه، خطاب به پدر و مادرش (همان دو بازیگر) استفاده‌خواهد کرد تا به آن‌ها ابراز محبت کند. از دو بازیگر خواسته‌شده‌است تا در این شرایط هم برخوردی سرشار از محبت و رضایت بخش با کودک داشته باشند به گونه‌ای که گویی کلمه‌ی توهین‌آمیز **A** را به عنوان ابراز محبت، پذیرفته‌اند.

اکنون اگر از کودک، پرسیده‌شود که آیا«**A**» از مصادیق توهین هست یا خیر؟ چه پاسخ خواهد داد؟ بی‌شک، او دیگر «**A**» را از مصادیق توهین نخواهد دانست.

پس روشن شد که درک ما از توهین، وابسته به ویژگی‌های عرفی جامعه و به عبارت بهتر، وابسته به زمان‌ها و مکان‌های متفاوت است و هیچ مجموعه‌ی واحد و مشخصی از مصادیق توهین وجود ندارد. نتیجه‌ی بسیار مهم این است که مصادیق توهین، ناظر به فردْ فردِ اعضای جامعه است در نتیجه تنها می‌توان گفت توهین چیزی‌است که اکثر مردم، آن را توهین بدانند.

اکنون تنها راه دستیابی به مصادیقی متقن از توهین، این است که روشی ارائه شود تا به وسیله‌ی آن مشخص شود اکثریت مردم چه چیزهایی را مصداق توهین می‌دانند.

برای این کار باید ابتدا لیستی بلندبالا از تمامی ادیان، مذاهب، جریان‌ها و گروه‌های فکری، حزبی و ایدئولوژیک و تمامی افراد معتقد به آن‌ها تهیه شود؛ سپس با هزینه‌ای سرسام‌آور، به وسیله‌ی رای‌گیری مستقیم، نمایندگانی از تمامی آن‌ها انتخاب شده و برای هر تفکر و جریانی، یک مجمع، متشکل از نمایندگان همان جریان تشکیل داده شود. پس از همه‌ی این‌ها نمایندگان هر گروه فکری و اعتقادی باید تمامی مصادیق توهین از منظر گروه خودشان را لیست و منشر کنند که بی‌شک، محتوی هر کدامشان بالغ بر حداقل چند ده جلد کتاب خواهد بود و مجموع همه‌ی آن‌ها، یک کتابخانه‌ی بزرگ با محتوای صدها جلد کتاب می‌شود که محتوای آن‌ها، مصادیق توهین از منظر گروه‌های مختلف فکری و اعتقادی خواهدبود که به صورت دوره‌ای به روز رسانی می‌شود.

---

10. A می‌تواند هر کلمه یا حرکت توهین‌آمیزی باشد که تصور می‌شود قطعا و به‌صورت مطلق، توهین است و گمان می‌رود امکان ندارد کسی آن‌را توهین تلقی نکند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

مراحلی که گفته شد، تا همینجا هم غیر ممکن به نظر می‌رسند اما به این هم خلاصه نمی‌شود چراکه اگر بر فرض محال، تمام مراحل گفته‌شده هم انجام شوند، طبق اصل ناپسند بودن عقاب بلا بیان، قانون و تمام مصوبات مربوط به آن باید به اطلاع عموم برسند. (کاتوزیان، ۱۳۹۷، صفحه ۱۲۸-۱۲۷) چراکه «قاعده‌ای که در خفا وضع و نگهداری می‌شود برای تابعان نظام حقوقی الزامی نمی‌آورد .» (راسخ، ۱۳۸۵، صفحه ۲۱) و به عبارت دیگر باید گفت، الزام‌آور بودن قانون منوط به آگاه شدن همگان از آن است. (هگل، ۱۳۹۴، صفحه ۲۶۳-۲۶۲) اکنون مسئله اینجاست که چگونه باید مصوبات این مجمع در مورد مصادیق توهین که به وسعت یک کتابخانه‌ی بزرگ است را به اطلاع عموم رساند و از تمامی روزنامه‌نگاران، اهل قلم، مجریان، اهل رسانه و. . . خواست تمامی الفاظ، حرکات و رفتارهایی را که می‌خواهند انجام بدهند یا بیان بکنند را با محتوای این کتابخانه‌ی بزرگ مطابقت دهند تا مبادا یکی از مصادیق توهین باشد و آنان با کیفر مواجه شوند.

بر اساس تمام آنچه گفته‌شد، می توان نتیجه گرفت که؛

ب. مصادیق «توهین» به صورت متقن قابل طرح نیستند.

۳- نتیجه‌گیری

تا اینجا، به اثبات هر دو گزاره‌ی استدلال اصلیِ این مقاله پرداخته‌شد و در نتیجه‌ی آن می‌توان گفت؛

الف. اگر مصادیق«توهین» به صورت متقن قابل طرح نباشند آنگاه جرم‌انگاری توهین به عقاید و مقدسات امکان‌پذیرنیست.

ب. مصادیق «توهین» به صورت متقن قابل طرح نیستند.

در نتیجه: جرم‌انگاری توهین به عقاید و مقدسات امکان‌پذیر نیست.

لازم به ذکر است که آنچه در این مقاله به اثبات آن پرداخته‌شد، به هیچ وجه به معنای تجویز توهین به عقاید و مقدسات دیگران نیست. بلکه مدعای این مقاله صرفا این است که نمی‌توان قانونی با مضمون منع توهین به عقاید و مقدسات دیگران داشت و کسی را به این جرم مجازات کرد و همانطور که پیش‌از این هم گفته‌شد، نباید حیطه‌ی اخلاق و حقوق را با همدیگر خلط کرد. چراکه «هدف از اخلاق، اصلاح معایب شخص و ایجاد جامعه‌ی فاضله است و بر وجدان و افکار باطنی نیز حکومت می‌کند. ولی، . . . مقصود از قواعد حقوقی این است که در روابط اجتماعی نظم و عدالت نسبی برقرار شود، هرچند که در این راه اخلاق نیز رعایت نشده باشد» کاتوزیان، ۱۳۹۷، صفحه ۵۸)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ راسخ، م. ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون. پژوهشنامه مجلس و پژوهش، شماره ۵۱، سال ۱۳۸۵، صفحات ۴۰-۱۳

ـ عنایت، ح. بنیاد فلسفه سیاسی در غرب. انتشارت زمستان، ۱۳۹۰

ـ کاتوزیان، ن. گامی به سوی عدالت. انتشارات میزان، ۱۳۸۷

ـ کاتوزیان، ن. مقدمه‌ی علم حقوق. انتشارات گنج اندیشه، ۱۳۹۷

ـ هگل، ف. عناصر فلسفه‌ی حق، (مترجم: مهبد ایرانی‌طلب). نشر قطره، ۱۳۹۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]